

تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در

محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار

دکتر ملیحه ذاکریان*

دکتر میرنجف موسوی**

علی باقری کشکولی***

چکیده

این پژوهش به تحلیل فضایی توزیع خدمات و پراکنش جمعیت در بین محلات شهر میبد می پردازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است که از مدل های ضریب آنتروپی، مقادیر استاندارد شده، تاکسونومی استفاده شده است. جامعه آماری ۱۱ محله شهر میبد است. شهر میبد در سال ۱۳۵۵ دارای ۱۷۸۴۸ نفر جمعیت بوده که با نرخ رشد ۴/۰۵ درصد در سال به ۵۸۸۷۲ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است ولی از نظر توزیع و برخورداری از خدمات شهری رشد متناسب با جمعیت نداشته است. ضریب همبستگی بین مساحت محلات و نمرات استاندارد شده ۰/۲۴۸- بوده است یعنی رابطه معکوس معناداری بین گستردگی مساحت محلات و نمرات استاندارد وجود دارد که گستردگی مساحت در چگونگی توزیع بهینه خدمات شهری نقشی ندارند. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین تراکم جمعیت محلات شهر و Z-Score مشخص می شود که بین توزیع خدمات و تراکم جمعیت در شهر میبد رابطه ضعیفی وجود دارد. زیرا عدد به دست آمده ۰/۵۲۴ و سطح معنی داری ۰/۰۹۴ بوده که با سطح معنی داری ۹۵ درصد اختلاف زیادی دارد و رابطه بین این دو متغیر را به صورت خیلی ضعیف نشان می دهد. بنابراین بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در سطح محلات شهر میبد رابطه ای وجود ندارد. نتایج بررسی های حاصل از تلفیق مدل ها نشان می دهد محلات ۱-۱-۱ و ۲-۱-۱ و ۲-۲-۱ از نظر توزیع خدمات وضعیت نسبتاً متعادل و محلات ۱-۱-۲ و ۱-۱-۱ و ۱-۲-۱ وضعیت نامتعادلی دارند. بنابراین می توان گفت با توزیع متعادل و به یک نسبت خدمات در بین محلات شهر میبد با توجه به نیازهای جمعیتی می توان در آینده به تعادل در سطح محلات شهر میبد رسید. بنابراین برقراری ارتباط منطقی و هماهنگ بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات یازده گانه شهری میبد برای نیل به پایداری ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: تحلیل فضایی، پراکنش جمعیت، توزیع خدمات، عدالت فضایی، محلات شهری، توسعه پایدار، شهر میبد

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی میبد

**استادیار دانشگاه ارومیه

***کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۴

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسئله

انقلاب صنعتی رشد شتابان شهرها را باعث شد به طوری که جمعیت شهرنشین در جهان از ۳ درصد در حدود سال ۱۸۰۰ میلادی به ۶۸/۹ درصد در سال ۲۰۰۵ رسید به نحوی که بسیاری از مراکز شهری نتوانستند خود را با هجوم ناگهانی مهاجران تطبیق دهند و در نتیجه شهرها به طور ناموزون شروع به توسعه نمودند و فضاهای باز ناپدید شدند و مسائل حاد بهداشتی، آموزشی، مسکن و اشتغال در شهرهای پرجمعیت به وجود آمد و تعادل در روابط اجتماعی و انسانی بین ساکنین شهرها به هم خورد و شهرها با کمبود شدید خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی، گذران اوقات فراغت، ... روبرو شدند (قره نژاد، ۱۳۷۶: ۹۲). بنابراین وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در ساکنین نواحی مختلف یک شهر به هیچ وجه پدیده‌ای جدید در هیچ یک از شهرهای جهان نیست. اما در کشورهای درحال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در خدمات شهری، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (عبدی دانشپور، ۱۳۷۸، ۳۷). زیرا که ساختار فضایی یک شهر مشتکل از اجزاء و عناصری است که با یکدیگر درکنش متقابل هستند که ناپایداری هر کدام از این اجزاء بر کل ساختار تاثیر خواهد گذاشت (سواج و وارد، ۱۳۸۰، ۹۰). بنابراین سازمان فضایی متعادل در شهرها نوعی از پایداری شهری است که این پایداری زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در شهرها به وجود آید. توزیع خدمات در شهرها که نتیجه بارز جدایی‌گزینی اکولوژیکی است بر توزیع فضایی جمعیت در مناطق و نواحی شهری تاثیر گذار بوده است. در نتیجه توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و نواحی، یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از نابرابری‌ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین می باشد. مسئله مهم در برقراری توسعه پایدار شهری^۱ توجه به شاخص‌های اقتصادی، محیطی و سلامت اجتماعی شهرها در بستر برنامه ریزی است (marcotullio, 2001: 577). شهرمیبید به عنوان یک شهر متوسط اندام در استان یزد تحولات مختلف جمعیتی و کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در خود دیده است، این شهر با وسعتی برابر ۳۱۸۱ هکتار در شمال استان یزد و در مجاورت جنوبی شهر اردکان قرار دارد. جمعیت شهر میبید در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۸۰۶۱ نفر که با نرخ رشد ۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۵۸۸۷۵ افزایش یافته است (سالنامه آماری استان یزد، ۱۳۸۵: ۹۰). از ۳۱۸۱ هکتار سطوح شهری میبید ۶۳۹/۸ هکتار به کاربری مسکونی اختصاص یافته است. با توجه به جمعیت شهر در سال ۱۳۸۵ که معادل ۵۸۸۷۲ نفر بوده است تراکم خالص مسکونی آن تقریباً ۹۲ نفر در هکتار می باشد و تراکم ناخالص مسکونی آن نیز ۱۸/۵ نفر در هکتار محاسبه شده است. از کل مساحت شهر حدود ۲۰/۱۱ درصد معادل ۶۳۹ هکتار به کاربری مسکونی، ۱۹/۱۰ درصد معادل ۶۰۷ هکتار به شبکه معابر، ۲۰/۰۳ درصد معادل ۶۳۷ هکتار به اراضی زراعی، ۱۵/۸۲ درصد معادل ۵۰۳ هکتار به باغات، ۱۶/۹۵ درصد معادل ۵۳۹ هکتار به اراضی بایر و اراضی باقیمانده به سایر کاربریها اختصاص می یابد. بررسی سرانه کاربریهای موجود در شهر میبید نشان می دهد که سرانه مسکونی در شهر میبید ۱۰۸/۶ مترمربع است که بیش از دو برابر سرانه مطلوب (۵۰ مترمربع) می باشد. سرانه

^۱ Urban sustainable development

کاربری تجاری ۳/۹۶ مترمربع است که در مقایسه با سرانه مطلوب (۳ مترمربع) از وضعیت بهتری برخوردار است، سرانه درمانی ۲/۶۶ مترمربع می باشد که از سطح مطلوب (۱ مترمربع) بیشتر می باشد. سرانه بهداشتی ۰/۳۸ مترمربع، آموزشی ۴/۶۹ مترمربع، اداری ۲/۰۶ مترمربع، مذهبی ۳/۵۲ مترمربع، ورزشی و تفریحی ۲/۲۷ مترمربع، فرهنگی و تاریخی ۱/۲۳ مترمربع و فضای سبز ۴/۵۶ مترمربع می باشد. نکته ای که در خصوص کاربریها در شهر میبد قابل توجه است وجود ۵۳۹ هکتار اراضی بایر می باشد که به صورت یکسانی در سطح شهر پراکنده نشده است. بنابراین با توجه به اینکه کاربری های مسکونی، تجاری، درمانی و ... در مقایسه با سرانه های استاندارد وضعیت نسبتاً خوبی دارند اما نکته مهم این است که این خدمات به صورت عادلانه در سطح محلات شهری میبد توزیع نشده است. نابراین مقاله حاضر کوشش می کند چگونگی توزیع فضایی جمعیت در محلات شهر میبد را که یکی از عوامل موثر بر توزیع خدمات شهری بوده شناسائی کند. سپس ارتباط پراکنش جمعیت و توزیع خدمات را مشخص نموده و در نهایت راهکارهای را برای رسیدن به هماهنگی و سازگاری منطقی بین جمعیت و خدمات در محلات شهر میبد ارائه نماید.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

مفهوم عدالت اجتماعی اصولاً آن قدر همه شمول نیست که بتوان در قالب آن در مورد رفاه یک اجتماع قضاوت کرد. عدالت را اساساً میتوان به عنوان اصل در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع کاربرد این اصول خاص است (هاروی، ۱۳۷۹). در جهت رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به وجود می آید که عدم توجه به آن تبعات بسیار بدی همچون حاشیه نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعه یک جانبه شهرها، خالی از سکنه شدن برخی از محدوده های شهری، بورس بازی زمین و ده ها مسأله و مشکل دیگر را در پی خواهد داشت. بنابراین شناسایی اثرات مقوله عدالت اجتماعی جزء اساسی مطالعات شهری محسوب میشود و شهر زمانی شهر انسانی میشود که عدالت اجتماعی همه زوایای آن را بپوشاند (خوش روی، ۱۳۸۵: ۱۲). توجه به عدالت اجتماعی تا اندازه ای در شهرها حائز اهمیت است که در هر یک از شاخص های تعیین کننده شهرهای سالم، بستر مطالعات و نقش کلیدی را ایفا می کند (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۶۴). توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و نواحی، یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از نابرابری ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین می باشد. مسئله مهم در برقراری توسعه پایدار شهری^۲ توجه به شاخص های اقتصادی، محیطی و سلامت اجتماعی شهرها در بستر برنامه ریزی است (marcotullio, 2001: 577). با توجه به اینکه شهر میبد یکی از نقاط متراکم استان یزد محسوب می شود و از نظر جمعیت پذیری جز شهرهای دوم استان به حساب می آید. واز آنجایی که توزیع خدمات در شهر میبد مطابق با نیازهای شهروندان صورت نگرفته است این مطالعه راهبردهای جدیدی را جهت مکانیابی و توزیع خدمات در شهر میبد ارائه می دهد.

^۱ Density

^۲ Urban sustainable development

۱-۳- اهداف تحقیق

- ۱- بررسی و شناخت نحوه و چگونگی توزیع جمعیت و خدمات در محلات شهرمید.
- ۲- بررسی و شناخت ارتباط پراکنش جمعیت و خدمات در محلات شهرمید.
- ۳- ارائه راهبردهایی در جهت نیل به عدالت فضایی و توسعه پایدارشهر.

۱-۴- سوابق

بر اساس نظریه توسعه پایدار، توسعه اقتصادی در توجه به مسائل اکولوژیکی، محیطی و عدالت ایجاد می گردد (bastanifar & sameti, 2004: 273). از بین بردن شکاف و فاصله بین طبقات مختلف در شهرهای بزرگ جهان سوم امروزه توسط سازمان های جهانی یونسکو نیز قویاً توصیه گردیده است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۵۶). نابرابری های ناحیه ای در ایران بازتاب و برآیند عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی، مسائل قومی- فرهنگی، نارسایی نظام برنامه ریزی، دوگانگی اقتصادی و قطب های رشد بوده که عملکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نواحی را تحت الشعاع قرار داده و نابرابری در ایران را دامن زده است (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۰۲). فیض پور و همکاران (۱۳۷۷) در پژوهشی تحت عنوان سنجش درجه توسعه صنعتی مناطق استان یزد، نواحی شهری استان یزد را رتبه بندی نموده اند و به این نتیجه رسیده اند که میان نواحی استان یزد از نظر سطح توسعه، نابرابری وجود دارد بطوریکه اکثر امکانات در شهرستان یزد متمرکز شده اند (فیض پور و همکاران، ۱۳۷۷: ۸۱). حمید رضا وارثی و زنگی آبادی در مقاله ای تحت عنوان بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت به نحوه توزیع خدمات شهری بر پایه عدالت اجتماعی پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که یکی از عوامل تاثیر گذار بر مهاجرتها و جابجایی های درون شهری، توزیع خدمات شهری است. اگر توزیع خدمات شهری متناسب با نیازهای مناطق، کاربری های توزیع شده و فضاهای شهری مورد استفاده شهروندان نباشد، خود می تواند باعث افزایش تراکم جمعیت در مناطق دیگر گردد، که این مسئله نه تنها به نفع شهروندان نخواهد بود بلکه باعث می شود برخی از شهروندان نیز از توزیع خدمات شهری مناسب برخوردار نگردند (وارثی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲). نفیسه مرصوصی در همین زمینه به تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران مطالعاتی انجام داده است. ایشان با بررسی توزیع جغرافیایی شاخصهای فقر و توسعه به روشنی ناهمگنی فضایی - اجتماعی بین مناطق تهران ثابت می شود همچنین روند افزایش توسعه فقر و ناهمگنی فضایی - اجتماعی بین مناطق تهران به خوبی آشکار است. سید حسن مطیعی لنگرودی در مقاله ای تحت عنوان راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار معتقد است که برای رسیدن به توسعه و عدالت اجتماعی در جامعه به انسانهایی اقتصادی- تکنولوژیکی دارای بینشهای اجتماعی - فرهنگی نیاز می باشد تا با دستیابی به این دو پارامتر بتوان به توسعه با مفهوم امروزی آن و عدالت اجتماعی دست یافت (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۲۸). موسوی و باقری (۱۳۸۷) در طرح تحقیقاتی تحت عنوان شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی در مورد شهر یزد به این نتیجه رسیده اند که توسعه گسترده شهر یزد منجر به توزیع نابرابر خدمات شهری در بین نواحی شهر یزد شده و عدالت اجتماعی و فضایی را در شهر زیر سوال برده و به توسعه افقی و گسترده شهر یزد را دامن زده است که با اعمال سیاستهای کنترل زمین و توسعه شهری در درازمدت شهر یزد دارای شکل فشرده شهری خواهد شد (موسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۴). در نهایت

پس از بررسی پیشینه موضوع، نتیجه گرفته می شود که ارتباط بین موضوع توزیع خدمات شهری و گسترش شهر، در هیچ یک از منابع فوق پرداخته نشده است و این موضوع در مورد شهر میبد برای اولین بار انجام شده است.

۵-۱- سوالات تحقیق

- ۱- بین توزیع خدمات عمومی (عدالت اجتماعی) و پراکنش جمعیت رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین توزیع خدمات عمومی (عدالت اجتماعی) و نحوه توسعه شهری رابطه وجود دارد؟

۶-۱- روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق رویکرد حاکم بر فضای تحقیق «توصیفی-تحلیلی» است. روش جمع آوری داده های اولیه به صورت اسنادی و کتابخانه ای با استفاده از سالنامه های آماری استان و طرح جامع شهری می باشد. جامعه آماری ۱۱ محله شهر میبد در قالب ۵ ناحیه شهری است. ابتدا با استفاده از مدل ضریب آنتروپی (Wheeler & Muller, 1986, 386-385) توزیع فضایی جمعیت و همچنین با استفاده از مدل های تاکسونومی، امتیاز استاندارد شده (حکمت نیا، موسوی، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۱۶) و تعداد واحدهای خدماتی، توزیع فضایی خدمات در سطح محلات شهری میبد محاسبه شده، سپس با استفاده از آزمون های آماری ضریب اسپیرمن از طریق نرم افزار رایانه ای SPSS اثرات فضایی جمعیت بر چگونگی توزیع خدمات شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

۷-۱- معرفی متغیرها و شاخص ها

شاخص های مورد استفاده برای به دست آوردن عدالت اجتماعی و فضایی، ۱۲ شاخص خدمات شهری بوده است. متغیرهای تحقیق شامل ۱- مهدکودک (X₁)؛ ۲- دبستان (X₂)؛ ۳- راهنمایی (X₃)؛ ۴- دبیرستان (X₄)؛ ۵- اماکن ورزشی (X₅)؛ ۶- خدمات مذهبی (X₆)؛ ۷- خدمات فرهنگی (X₇)؛ ۸- فضای سبز و پارک (X₈)؛ ۹- خدمات درمانی (X₉)؛ ۱۰- خدمات بهداشتی (X₁₀)؛ ۱۱- خدمات تجاری (X₁₁)؛ ۱۲- خدمات اقامتی و جهانگردی (X₁₂)؛ می باشد.

۸-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

شهر میبد با وسعتی برابر ۳۱۸۱ هکتار در شمال استان یزد و در مجاورت جنوبی شهر اردکان قرار دارد (نقشه ۱). با توجه به میزان جمعیت شهر که در سال ۱۳۸۵ برابر ۵۸۸۷۲ نفر گزارش شده است دومین شهر بزرگ استان بوده که طی چندین دهه اخیر رشد صنعتی و خدمات در آن چشمگیر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در سال ۱۳۸۵ نیز فعالیت کشاورزی که در مجموع ۵/۲ درصد از شاغلان را شامل می شوند به عنوان فعالیت های غیرپایه و بخش های صنعت و خدمات که به ترتیب ۵۰/۹ و ۴۳/۸ درصد از فعالیت های شهر میبد را تشکیل می دهند به عنوان فعالیت های پایه شناخته شده اند. بررسی نقش شهر نیز بیانگر آن است که شهر میبد یک شهر صنعتی و خدماتی بوده و سرمایه گذاری و تهیه و تدارک

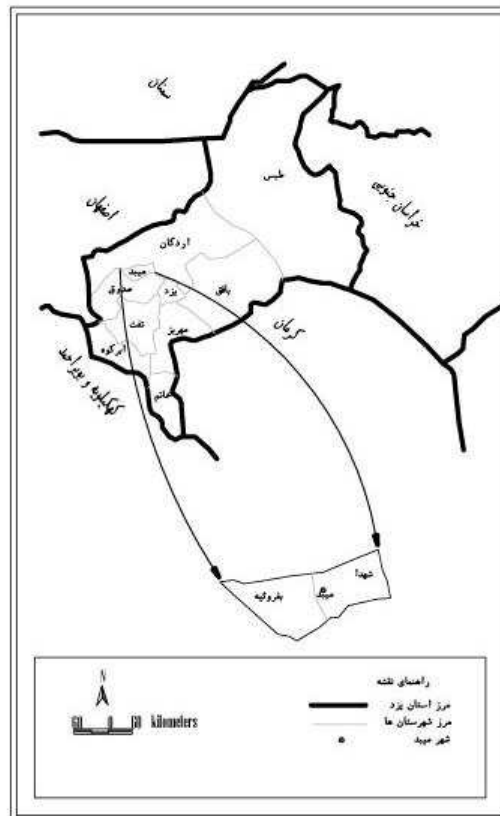
خدماتی و صنعتی و بررسی و تجزیه و تحلیل کالبد شهر نیز مبتنی بر صنعتی و خدماتی باشد. براساس تقسیمات کالبدی شهر میبد دارای دو منطقه شهری و ۵ ناحیه و ۱۱ محله شهری است. بیشترین تراکم جمعیت در بین محلات شهر میبد متعلق به محله ۱-۲-۱ و کمترین تراکم مربوط به محله ۱-۱-۱ می‌باشد (جدول ۱).

جدول (۱): وضعیت تقسیمات کالبدی شهر میبد در سال ۱۳۸۵.

ردیف	سال	۱۳۸۵			
		تراکم ناخالص	مساحت (he)	جمعیت	
۱	۱	۰/۲۸	۲۲۹	۶۶	
		۱۴	۴۵۶	۶۲۸۳	
		۱۸	۱۷۷	۳۳۳۸	
	۲	۳/۳	۳۵۸	۱۱۹۵	
		۲۲	۴۰۳	۸۸۱۰	
		۲۲	۴۰۳	۸۸۱۰	
۲	۲	۳۳	۲۵۸	۸۶۶۰	
		۱۸	۲۷۷	۵۰۶۹	
	۳	۳۸/۵	۲۴۳	۹۳۶۲	
		۷	۲۵۳	۱۷۸۷	
		۲۹	۲۹۳	۸۵۵۰	محله ۱ ناحیه منفصل شهیدیه
		۲۴	۲۴۲	۵۷۵۰	محله ۲ ناحیه منفصل شهیدیه
		۱۸/۴	۳۱۸۹	۵۸۸۷۰	کل شهر

منبع: سازمان مسکن و شهرسازی یزد، ۱۳۸۵.

نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی شهر میبد در استان یزد



۲- مفاهیم، دیدگاهها و مبانی نظری

۲-۱- عدالت توزیعی منطقه ای

مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل تأمل است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چند بعدی بودن این مفهوم است. اما مطلب حائز اهمیت این است که اساس هر گونه تغییر در سازمان فضایی در روابط اقتصادی و اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه اثر مستقیم می گذارد و مسلماً استفاده از مکانیزم ها و برنامه ریزی های مختلف می تواند تاثیرات ضد و نقیضی در برقراری و یا عدم برقراری عدالت ایفا کنند (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۹۱). تقسیم بندی های مختلفی از عدالت توسط صاحب نظران صورت گرفته است به عنوان نمونه از عدالت تخصیصی، عدالت توزیعی، عدالت افقی و عدالت عمودی نام برده شده است (ماسگریو، ۱۳۷۲: ۳۱۶). اما عدالت، از منظر اجتماعی نیز قابل تأمل است. ماهیت عدالت اجتماعی را می توان در قالب سه معیار زیر عنوان نمود:

۱- نیاز؛ افراد دارای حقوق مساویند در بهره برداری از منابع و امتیازات ولی نیاز همه مشابه نیست. تساوی در بهره برداری از دیدگاه نیاز افراد به صورت تخصیص نابرابر منافع جلوه گر می شود (Runciman, 1699: 21).

۲- منفعت عمومی؛ مسلماً افرادی که در ایجاد منافع عمومی برای شهروندان شرکت می کنند مدعی حق بیشتری می باشند نسبت به کسانی که منفعت عمومی کمتری برای افراد ایجاد می کنند.

۳- استحقاق؛ مسلماً افرادی که از نظر مشاغل با شغل های سخت و پر مشقت در ارتباطند نسبت به سایر افراد حق بیشتری مطالبه می کنند (هاروی، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

بنابراین عدالت در شهر باید به دنبال تخصیص مناسب و متناسب، امکانات و خدمات، استفاده از توانهای بالقوه و بالفعل در شهر، از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی در شهر و جلوگیری از به وجود آمدن زاغه های فقر باشد. در نتیجه هر گونه برنامه ریزی شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آنها موثر باشد. از مهمترین عوامل در برنامه ریزی شهری استفاده از فضاها و توزیع مناسب و به عبارتی کاملتر عدالت فضایی است. در این راستا کاربری ها و خدمات شهری از جمله عوامل موثر و مفیدند که با پاسخگویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد می توانند با برقراری عادلانه تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند. بنابراین برهم خوردن توازن جمعیتی که مهمترین ریشه های آن، مهاجرت های درون و برون شهری، تراکم بیش از حد کاربری ها در مناطق خاص اند، می توانند فضاها را فضاهایی متناقض با عدالت از ابعاد اقتصادی و اجتماعی نمایند (هاروی، همان: ۱۲۰-۱۱۰).

۲-۲- دسترسی به امکانات شهری^۱ و عدالت اجتماعی

در سال ۱۳۳۵ تفکر برونزای شهرسازان برای تشویق جامعه به دگرگونی الگوهای رفتاری مبنای مسائلی تازه می گرد که از جمله توزیع نامناسب^۲ و ناعادلانه تأسیسات و تجهیزات شهری لازم، با توجه به تفکیک فضاها شهر بر مبنای درآمد

^۱ Urban plant

^۲ Unfit distribution

خانوار باعث گسترش دامنه تمایزات اجتماعی و تفاوت‌های کالبدی- فضایی می‌گردد (پدیده شمال شهر- جنوب شهر) (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۹۷). از آنجایی که پایداری شهری گونه‌ای از توسعه پایدار است که محیط‌ها و فضاها را در بر می‌گیرد این مقوله زمانی تحقق خواهد یافت که اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار، به عنوان اصلی در مطالعات توسعه شهرها به کار گرفته شود (Drakakis Smith, 2000, 8-9). به عبارت دیگر توزیع بهینه خدمات و امکانات باید به گونه‌ای هدایت شود که به نفع تمامی اقشار و گروه‌های اجتماعی جامعه گردد، و عدالت اجتماعی و فضایی تحقق یابد (پاک، ۱۹۵، ۱۳۸۳-۱۹۳). بنابراین اگر در جریان برنامه ریزی شهری، تعیین کاربری‌های مختلف طوری انجام گیرد که توزیع متوازن سرانه‌ها را با توجه به اصول صحیح مکان‌یابی در مد نظر قرار دهد، تا حد زیادی به حصول عدالت اجتماعی مدد خواهد رساند. در غیر این صورت توزیع کاربری می‌تواند به تقویت یک منطقه و تضعیف منطقه‌ای دیگر منجر گردد و حتی باعث کاهش قیمت اراضی در بخش‌هایی از شهر خواهد گردید. بدیهی است که تأثیر فعالیت‌های عمرانی بر نوع کاربری‌ها متفاوت است. اگر چنانچه هر کاربری با توجه به معیارهای صحیح مکان‌یابی شود، تضعیف هیچ بخشی را سبب نخواهد شد بلکه آرامش و رفاه بیشتری را برای ساکنان شهر به همراه می‌آورد. اختصاص اراضی شهری و مکان‌یابی فضاهای خدماتی و مسکونی در صورت رعایت اصول ضوابط شهرسازی سبب فراهم شدن توزیع عادلانه خدمات و امکانات، دسترسی مناسب ساکنان به خدمات و امکانات مورد نیاز، کاهش سفرهای درون شهری و افزایش نسبی متوسط قیمت اراضی می‌شود (نصر، ۱۳۷۷: ۸۶). بنابراین عدالت فضایی در شهرها بدان معناست که مکان زندگی هر فرد- حاصل از تقسیم‌کار اجتماعی- وی را از استحقاق اجتماعی محروم نکند. نابرابری‌های فضایی، تنها هنگامی موجه باشد که بهبود حیات همگانی را در پی داشته باشد (اطهاری، ۲۸، ۱۳۸۱). دیویدهاروی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه منابع و امکانات شهری می‌داند که بتواند به گونه‌ای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن در ابعاد مختلف برآورده گردد (هاروی، ۱۳۷۹، ۹۷-۹۶). پذیرش این اصل، که توسعه پایدار مستلزم برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها است. رفع نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، آسیب‌پذیری اقشار کم درآمد، توزیع بهینه خدمات و امکانات، توجه به نیازهای اساسی شهروندان، هرچه بیشتر به اهمیت نگرش به توسعه پایدار می‌افزاید. از آنجایی که روند شهری شدن جهان در کشورهای در حال توسعه با عدم تعادل‌های خدماتی و پراکنش جمعیت و رشد بی‌قواره شهری مواجه بوده است. به طوری که ناپداری حاصل از این رشد ناموزون به شکل عدم تعادل‌های فضایی- اجتماعی با نمودهای فقر شهری، اسکان و اشتغال غیررسمی، ضعف حاکمیت محلی، آلودگی‌های زیستی، نمایان شده است (بوچانی، ۱۳۸۵، ۶۶). این امر پایداری شهرها را هرچه بیشتر مورد سوال قرار داده است، و توجه به دیدگاه‌های و رهیافت‌های اصول توسعه پایدار را پیش از بیش ضروری ساخته است (حکمت‌نیا و موسوی ۱۳۸۵، ۳۶-۳۷)، بنابراین حرکت و رسیدن به پایداری شهرها، زمانی محقق خواهد شد که تخصیص و توزیع خدمات و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی شهرها مطابق با نیازهای جمعیتی و مساوات و برابری جغرافیای صورت بگیرد. در همین راستا، ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در فضاهای شهری می‌تواند در سنجش میزان عدالت اجتماعی و تامین نیازهای اساسی شهروندان در چارچوب طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی، اجتماعی و اقتصادی مفید واقع شود.

۳- یافته های پژوهشی

۳-۱- پراکنش جمعیت در محلات شهر میبد

به منظور تحلیل ویژگی های توزیع فضایی جمعیت در محلات یازده گانه شهری میبد از ضریب آنتروپی نسبی استفاده شده است. در واقع این مدل بیانگر، تاثیر وجودی شاخص جمعیت در تحقق هر یک از اشکال تعادل یا تمرکز مورد مطالعه است. ضریب آنتروپی به دست آمده در سال ۱۳۷۵ برابر با ۰/۸۹۲ بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۰/۸۹۱ کاهش نه چندان چشمگیری یافته است. این روند بیانگر عدم برابری و تعادل در توزیع جمعیت محلات شهر میبد طی دروه مورد بررسی است. هر چه این میزان به عدد یک نزدیکتر باشد تعادل در توزیع فضایی جمعیت وجود دارد (جدول ۲). یکی دیگر از عوامل پراکنندگی و پراکنش جمعیت، میزان تراکم جمعیت است. براساس بررسی های صورت گرفته، میزان تراکم در سطح شهر میبد در سال ۱۳۸۵، ۲۴/۶ نفر در هکتار است. در حالی که تراکم پیشنهادی طرح جامع شهر میبد ۲۲ نفر در هکتار می باشد (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۸۵). بالاترین میزان تراکم در میان محلات شهری، به محلات ۱-۲-۱ و ۱-۱-۱ و محله یک از ناحیه منفصل شهیدیه به ترتیب ۳۳، ۳۸/۵ و ۲۲ نفر در هکتار، و پایین ترین آنها به محلات ۱-۱-۱ و ۱-۲-۱ به ترتیب با ۰/۲۸ و ۳/۳ نفر در هکتار اختصاص دارد، که نشان دهنده تمرکز تقریباً نسبی جمعیت در مرکز شهر و محلات مجاور آن است. بررسی میزان ضریب همبستگی پیرسون بین جمعیت و مساحت محلات شهر بیانگر عدم وجود رابطه معنی داری بین دو متغیر است. در حقیقت جمعیت پذیری محلات شهری مطابق با مساحت موجود محلات نبوده است بلکه عوامل دیگری همچون قیمت زمین و مسکن، وجود یا فقدان ساز و کارهای مشخص نظارتی و مدیریتی، میزان دسترسی به امکانات و خدمات و همچنین درآمد افراد دخالت داشته است

جدول (۲): توزیع فضایی جمعیت در محلات شهری میبد طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۵.

۱۳۸۵				۱۳۸۱				سال		نواحی و محلات شهری	ردیف
PiLnPi	LnPi	Pi	جمعیت	PiLnpi	Lnpi	Pi	جمعیت				
-۰/۰۰۶	-۶/۹	۰/۰۰۱	۶۶	-۰/۰۳۸	-۴/۸	۰/۰۰۰۸	۴۲	۱-۱-۱	۱	۱	
-۰/۲۳۳	-۲/۲	۰/۱۰۶	۶۲۸۳	-۰/۲۲۶	-۲/۲	۰/۱۰۳	۵۱۲۸	۱-۱-۲			
-۰/۱۵۶	-۲/۸	۰/۰۵۶	۳۳۳۸	-۰/۱۶۵	-۲/۸	۰/۰۵۹	۲۹۱۸	۱-۱-۳			
-۰/۰۷۸	-۳/۹	۰/۰۲۰	۱۱۹۵	-۰/۰۷۸	-۳/۹	۰/۰۲۰	۹۹۸	۱-۲-۱	۲	۲	
-۰/۲۸۳	-۱/۹	۰/۱۴۹	۸۸۱۰	-۰/۲۷۹	-۱/۸	۰/۱۵۵	۷۷۰۳	۱-۲-۲			
-۰/۲۸۰	-۱/۹	۰/۱۴۷	۸۶۶۰	-۰/۲۶۴	-۱/۹	۰/۱۳۹	۶۸۸۲	۲-۱-۱	۳	۳	
-۰/۲۰۶	-۲/۴	۰/۰۸۶	۵۰۶۹	-۰/۱۹۶	-۲/۴	۰/۰۸۲	۴۰۵۲	۲-۱-۲			
-۰/۲۸۶	-۱/۸	۰/۱۵۹	۹۳۶۲	-۰/۲۹۵	-۱/۸	۰/۱۶۴	۸۱۲۸	۲-۲-۱			
-۰/۱۰۵	-۳/۵	۰/۰۳۰	۱۷۸۷	-۰/۰۷۸	-۳/۹	۰/۰۲	۱۱۲۷	۲-۲-۲			
-۰/۲۷۵	-۱/۹	۰/۱۴۵	۸۵۵۰	-۰/۲۸۶	-۱/۸	۰/۱۵۲	۷۵۱۲	محله ۱ ناحیه منفصل شهیدیه			
-۰/۲۲۳	-۲/۳	۰/۰۹۷	۵۷۵۰	-۰/۲۲۷	-۲/۳	۰/۰۹۹	۴۹۱۸	محله ۲ ناحیه منفصل شهیدیه			
		۱	۵۸۸۷۰		-	۱	۴۹۴۰۸	کل شهر			

$$G = ۰/۸۹۲$$

$$G = ۰/۸۹۱$$

منبع: نگارندگان.

۳-۲- توزیع خدمات شهری در محلات شهر میبد

مهم‌ترین معیار برای تحلیل وضعیت عدالت فضایی در شهر، چگونگی توزیع خدمات شهری است. جهت تبیین چگونگی توزیع خدمات شهری در سطح محلات شهر میبد از روشهای امتیاز استاندارد شده، توزیع بر حسب تعداد واحدهای خدماتی و مدل تاکسونومی استفاده شده است.

۳-۲-۱- روش مقادیر استاندارد شده

این روش میزان نابرابری در توزیع خدمات شهری را در محلات شهر یزد آشکار می‌سازد. همان‌طوری که جدول (۳) نشان می‌دهد برای تبیین توزیع خدمات شهری از ۱۲ شاخص برای ۱۱ محله شهری استفاده شده است. برابر بررسی‌های صورت گرفته محله ۱-۱-۲ به عنوان پایدارترین محله و محله ۱-۱-۱ به عنوان ناپایدارترین محله شهری در توزیع بهینه خدمات ونحوه دسترسی شهروندان به خدمات شهری شناخته شده‌اند.

در مجموع از یازده محله شهری بر اساس تقسیمات کالبدی، ۲ محله متعادل، ۶ محله نیمه متعادل و ۳ محله نامتعادل بوده است. محلات نیمه متعادل که حدود ۵۶/۶ درصد جمعیت را شامل می‌شوند اکثر محلات بافت قدیم با متراژ کم و تراکم زیاد جمعیت می‌باشند. مسکن غیراستاندارد و پایین‌بودن سرانه‌های شهری و دوری از خدمات مورد نیاز شهری از جمله عواملی هستند که باعث توزیع نابرابر خدمات در این محلات شده‌اند. محلات ۱-۱-۲ و ۱-۲-۲ به دلیل هسته اولیه شهر بودن اکثر شاخص‌های خدمات شهری را در خود داراست. به همین دلیل توانسته‌اند به عنوان محلات متعادل در چگونگی دسترسی به امکانات و تسهیلات شهری شناخته شود.

جدول (۳) نمرات استاندارد شاخصهای توزیع خدمات شهری منتخب محلات شهری میبد.

وضعیت محلات	رتبه محلات	سال														نواحی و محلات شهری	شماره
		Z	$\sum Z$	Z_{x12}	Z_{x11}	Z_{x10}	Z_{x9}	Z_{x8}	Z_{x7}	Z_{x6}	Z_{x5}	Z_{x4}	Z_{x3}	Z_{x2}	Z_{x1}		
ناپایدار	۱۱	-۰/۹۸	-۱۱/۸	-۰/۵	-۱/۵	-۱/۲	-۰/۷	-۱/۱	-۱/۰۷	-۱/۰۸	-۰/۴	-۱	-۱	-۱/۸	-۰/۵	۱-۱-۱	۱
ناپایدار	۹	-۰/۳۶	-۴/۴	-۰/۵	-۰/۶	-۰/۴	-۰/۶	-۰/۷	-۰/۱	-۰/۸	-۰/۰۳	-۰/۳	۰/۲	-۰/۱	-۰/۵	۱-۱-۲	
نیمه پایدار	۷	-۰/۰۵	-۰/۷۱	-۰/۵	-۱/۰۷	-۰/۴	۰/۴	۰/۰۷	۰/۱	۰/۳	-۰/۹	-۰/۳	-۰/۶	۰/۷	۱/۵	۱-۱-۳	
ناپایدار	۱۰	-۰/۶۶	-۷/۹۹	-۰/۵	-۰/۶	۰/۴	-۱/۲	-۱/۱	-۱/۰۷	-۰/۸	-۰/۹	-۰/۳	-۱	-۰/۵	-۰/۵	۱-۲-۱	
نیمه پایدار	۶	-۰/۰۲	-۰/۳	-۰/۵	-۰/۱	-۱/۲	۰/۷	-۰/۷	۰/۳	۰/۳	۰/۸	-۰/۳	۱	-۰/۱	-۰/۵	۱-۲-۲	۲
پایدار	۱	۱/۲	۱۴/۴	۰/۳	-۰/۱	۲/۲	۱/۵	-۰/۳	۱/۹	۲/۳	-۰/۴	۲/۲	۱/۴	۱/۹	۱/۵	۲-۱-۱	
نیمه پایدار	۵	۰/۰۰۹	۰/۱۱	۰/۳	۱/۶	-۰/۴	-۰/۵	۱/۲	-۰/۵	-۰/۵	-۰/۴	-۰/۳	۰/۶	-۰/۵	-۰/۵	۲-۱-۲	۳
پایدار	۲	۰/۶۹	۸/۳۷	۰/۳	۰/۲۸	-۰/۴	۱/۷	۰/۰۷	۱/۶	۰/۹	۰/۳	۰/۹	۱/۴	-۰/۱	۱/۵	۲-۲-۱	
نیمه پایدار	۴	۰/۰۱۸	۰/۲۲	-۰/۵	۱/۱	-۰/۴۸	-۰/۸	۲/۰۲	-۰/۶	-۰/۸	۲/۵	-۰/۳	-۱	-۰/۵	-۰/۵	۲-۲-۲	
نیمه پایدار	۸	-۰/۱۷	-۲/۱۳	-۰/۵	-۰/۱	-۰/۴۸	۰/۱	-۰/۳	-۰/۲	۰/۳	-۰/۰۳	-۱	-۰/۶	۱/۱	-۰/۵	محله ۱ ناحیه منفصل شهیدیه	
پایدار	۳	۰/۲	۲/۴	-۰/۵	۱/۱	-۰/۴۸	-۰/۵	۰/۸	-۰/۴	-۰/۲	-۰/۴	۰/۹	-۰/۶	-۰/۱	-۰/۵	محله ۲ ناحیه منفصل شهیدیه	

منبع : نگارندگان

بررسی ارتباط همبستگی پیرسون بین جمعیت و نمرات استاندارد شده نشان می‌دهد ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۷۳۰ بوده است این بدان معناست که رابطه مستقیم معناداری بین جمعیت و نمرات استاندارد شده وجود دارد، یعنی اینکه هر چقدر محلات مرتبه بالایی به لحاظ برابری در توزیع خدمات شهری کسب نمایند دارای میزان جمعیت بالایی نیز می‌باشد. این موضوع در ارتباط با مساحت عکس این حالت را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بین مساحت محلات و نمرات استاندارد شده ۰/۲۴۸- بوده است یعنی رابطه معکوس معناداری بین گستردگی مساحت محلات و نمرات استاندارد وجود دارد که گستردگی مساحت در چگونگی توزیع بهینه خدمات شهری نقشی ندارند. این محلات اکثراً مهاجران، افراد کم درآمد در آنها سکنی گزیده‌اند. پایین بودن سرانه‌های شهری و بالا بودن جمعیت و بعد خانوار از ویژگی‌های بارز این گونه محلات می‌باشند. جدول (۴) سطح‌بندی محلات شهر میبد به لحاظ عدالت در توزیع فضایی خدمات شهری را نشان می‌دهد.

جدول (۴): سطح‌بندی محلات شهر میبد به لحاظ عدالت در توزیع فضایی خدمات شهری

نمره Z	تعداد محلات	درصد فراوانی	اسامی محلات
بین ۰/۲۴+ و ۰/۹۹+	۲	۱۸/۲	۱-۱-۲، ۲-۲-۱، محله ۲ ناحیه منفصل
بین ۰/۲۴+ و ۰/۲۴-	۶	۵۴/۵	محله ۱ ناحیه منفصل، ۲-۲-۲، ۲-۱-۲، ۱-۲-۲، ۱-۱-۳
بین ۰/۲۴- و ۰/۹۹-	۳	۲۷/۳	۱-۱-۱، ۱-۱-۲، ۱-۲-۱

منبع: نگارندگان

۲-۲-۳- توزیع خدمات شهری میبد بر اساس تعداد واحدهای خدماتی

یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای، عدم وجود سلسله مراتب میان محلات یک سکونتگاه است. در همین راستا تشکیل سلسله مراتبی از سکونتگاهها که بتواند چارچوب مؤثری برای توزیع فعالیتها، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف باشد ضروری است. بنابراین بکارگیری معیارها و روشهای کمی جهت سطح بندی سکونتگاهها در سیستم فضایی مناطق، نه تنها موجب شناخت تفاوت میان محلات می‌گردد، بلکه این سطح بندی معیاری برای تعیین انواع خدمات مورد نیاز و تعدیل نابرابری بین سکونتگاههاست (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۰۹). در رتبه بندی محلات شهری میبد بر اساس جمع واحدهای خدماتی، ابتدا جمع واحدها و مؤسسات موجود در هر محلات شهری که مشتمل بر ۱۲ شاخص می‌شدند، محاسبه گردید و بر اساس تعداد مؤسسات در هر یک از محلات، محلات مختلف رتبه بندی گردیدند. بررسی‌ها نشان می‌دهند ۳۸/۷ درصد از واحدهای خدماتی تنها در ۲ محله ۱-۱-۲ و ۲-۲-۱ توزیع شده اند که به ترتیب رتبه های ۱ و ۲ را در بین محلات شهری به لحاظ تعداد واحدهای خدماتی به خود اختصاص داده اند و محله ۱-۲-۲ با ۲۶ واحد خدماتی معادل ۱/۵ درصد از کل واحدهای خدماتی، کمترین تعداد واحدهای خدماتی را دارا می‌باشد که در ارتباط با میزان جمعیت محله، در اکثر واحدهای خدماتی موجود با کمبود مواجهه می‌باشیم.

۳-۲-۳- مدل تاکسونومی عددی

یکی از روشهای درجه بندی نواحی از لحاظ درجه توسعه یافتگی، روش آنالیز تاکسونومی است. نوع خاصی از این روش، آنالیز تاکسونومی عددی است. این روش برای اولین بار توسط آدانسون در سال ۱۷۶۳ میلادی پیشنهاد گردید. این روش قادر است یک مجموعه را به زیر مجموعه های کم و بیش همگن تقسیم کرده، یک مقیاس را که مورد استفاده در امر برنامه ریزی باشد برای شناخت درجه توسعه یافتگی ارائه دهد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۴۹).

مرحله اول: محاسبه میانگین و انحراف معیار واحدهای خدماتی

در مرحله اول ۱۱ محله مختلف شهر میبد را که دارای ۱۲ شاخص خدمات و امکانات هستند در نظر می گیریم سپس میانگین و انحراف معیار هر یک از ستون ها را محاسبه می کنیم (جدول ۵).

جدول (۵): میانگین، انحراف معیار و مقادیر ایده آل شاخص های خدماتی شهر میبد

شاخص ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
میانگین	۰/۲۷	۴/۲۷	۲/۴۵	۱/۵۵	۲/۰۹	۳/۸۲	۱۴	۲/۸۲	۱۱۶/۱۸	۱/۴۵	۳/۳۶	۰/۶۴
انحراف معیار	۰/۴۵	۲/۲۶	۲/۳۱	۱/۴۴	۲/۱۹	۳/۳۵	۲/۴۰	۲/۴۴	۷۷/۱۲	۱/۰۸	۲/۱۰	۱/۱۵
مقادیر ایده آل	۱/۶۳	۲/۰۹	۱/۰۳	۲/۴۰	۲/۶۹	۲/۴۴	۲/۵۲	۲/۱۲	۱/۷۹	۲/۳۷	۱/۷۳	۲/۹۳

منبع: محاسبات نگارندگان.

مرحله دوم: استاندارد سازی داده های مختلف الجنس

عبارت است از استاندارد سازی داده های مختلف الجنس (Z استاندارد) که در مرحله قبلی انجام شده است.

مرحله سوم: محاسبه فواصل مرکب بین مناطق و تعیین کوتاه ترین فواصل

با در اختیار داشتن ماتریس استاندارد Z می توان تفاوت (فاصله) هر منطقه نسبت به دیگر منطقه را در هر یک از شاخص ها پیدا کرد آنگاه با استفاده از فرمول زیر، می توان فواصل مرکب بین مناطق از لحاظ مجموعه شاخص ها را بدست آورد (جدول ۶):

$$D_{ab} = \sqrt{\sum (Z_{aj} - Z_{bj})^2}$$

جدول (۶): کوتاهترین فاصله محلات شهر میبد

نواحی منفصل		ناحیه ۲				ناحیه ۱				محلات
محله ۲	محله ۱	۲-۲	۲-۱	۱-۲	۱-۱	۲-۲	۲-۱	۱-۳	۱-۲	۱-۱
۳/۴۶	۲/۵۳	۳/۹۹	۳/۶۳	۳/۳۸	۴/۲۵	۲/۵۵	۲/۲۳	۲/۹۵	۲/۲۳	۲/۶۷

منبع: محاسبات نگارندگان.

$$X(D) = ۳/۰۸۳۴۸$$

$$S(D) =$$

$$D(+) = ۲/۵۷۶$$

$$D(-) = ۱/۷۴۱۲۰$$

a, b نشان دهنده دو منطقه مورد ارزیابی از نظر فاصله مرکب شان هستند به طوری که:

$$D_{aa} = ۰$$

$$D_{bb} = ۰$$

$$D_{ab} = D_{ba}$$

مرحله چهارم: پیدا کردن مناطق همگن

$$\bar{D} = \frac{\sum d_i}{n} = ۳/۰۸۳ \quad s_j = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (X_{ij} - \bar{X}_j)^2}{n}} = ۰/۶۷۱۱$$

$$D+ = D + 2Sd = ۲/۵۷۶$$

$$D- = D - 2Sd = ۱/۷۴۱$$

تمام اتصالاتی که طول آنها بزرگتر از حد بالا (فاصله بحرانی بالا) هستند می توانند کنار گذاشته شوند. همچنین تمام اتصالاتی که طول آنها کوچکتر از حد پایین (فاصله بحرانی پایین) هستند می توانند کنار گذاشته شوند، چون طول این فواصل کمتر از آن است که تفاوتی را بین دو منطقه نشان دهند، به عبارتی دیگر در چنین حالتی آنقدر شبیه به هم هستند که نمی توان به عنوان دو منطقه متفاوت در نظر گرفته شوند. در نهایت مناطقی که فواصل آنها بین دو حد D+ و D- باشند همگن اند و در یک گروه قرار می گیرند و دو منطقه که فاصله مرکبشان بیش از D+ باشد و کمتر از D- باشد، بیانگر آن است که به هیچ وجه تشابهی از لحاظ توسعه ندارند. از آنجائی که این روش به عنوان وسیله ای برای طبقه بندی درجه توسعه یافتگی بین ملل مختلف و در مقیاس کلان مطرح شده است و چون تفاوتی نواحی ای در یک شهر کوچک نمی تواند به اندازه مقیاس کلان و کشوری شفاف و روشن باشد لذا در این مرحله از مدل تاکسونومی، محلات شهر کوچکی مثل میبد به صورت محلات همگن می باشد. از اینرو از ۱۱ محله شهر میبد، ۱۱ مورد آن نیز همگن شناخته شده اند.

مرحله پنجم: دسته بندی نواحی همگن و تعیین مقدار سرمشق توسعه

چون تمام محلات در مرحله قبل در یک گروه همگن قرار می گیرند لذا داده های مربوط به اولین ماتریس X را برای گروه همگن تشکیل داده و بعد از آنکه مجدداً ماتریس استاندارد را حساب کردیم، در ماتریس استاندارد برای هر ستون بزرگترین مقدار را پیدا می کنیم و نام آن را مقدار ایده آل می نامیم. فاصله هر محله و محله ایده آل در مورد هر یک از شاخص ها، یک جزء از یک فرم را به دست می دهد که شاخص مرکب این فواصل یک فرم کلی را به وجود آورده که نشان دهنده فاصله مرکب یک منطقه از منطقه ایده آل است و آن را با C_{io} نشان می دهیم که عبارت است از فاصله منطقه i تا منطقه o و از فرمول زیر محاسبه می شود:

$$C_{io} = \frac{\sum_{i=1}^n C_{io}}{n}$$

C_{io} سرمشق توسعه نامیده می شود که هر قدر کوچک باشد دال بر توسعه یافتگی آن محله است، یعنی فاصله بین i با منطقه ایده آل کمتر است و هر چقدر C_{io} بیشتر باشد، دلیل بر عدم توسعه محله i خواهد بود.

مرحله ششم: محاسبه درجه توسعه مناطق

پس از تعیین سرمشق توسعه برای هر یک از مناطق، درجه توسعه یافتگی مناطق از فرمول زیر به دست می آید:

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_0} \quad \bar{C}_{io} = \frac{\sum_{i=1}^n C_{io}}{n} \quad C_0 = \bar{C}_{io} + 2S_{io}$$

$$S_{io} = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (C_{io} - \bar{C}_{io})^2}{N}}$$

مقدار F_i بین صفر و یک متغیر است. هر چقدر به صفر

نزدیک تر باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر و هر قدر به یک نزدیک تر باشد علامت عدم توسعه یافتگی است. بررسی ها بر اساس مدل تاکسنومی نشان می دهند از بین محلات یازدگانه شهر میبد دو محله ۱-۱-۲ و ۲-۲-۱ دارای ۲۸ مرکز آموزشی، ۹ مرکز درمانی، ۱۳ مرکز بهداشتی، ۴۵ مرکز مذهبی، ۹ مرکز فرهنگی و بیش از ۳۰۰ واحد تجاری می باشند که نسبت به میزان جمعیت ساکن در آنها، اکثر سرانه های موجود در مقایسه با سرانه های استاندارد در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند. همچنین محلات ۱-۱-۱ و ۱-۲-۱ و ۱-۱-۲ دارای کمترین میزان واحدهای خدماتی می باشند به گونه ای که در محله ۱-۱-۱ تنها یک مرکز درمانی وجود دارد و از لحاظ واحدهای آموزشی، بهداشتی، مذهبی، ورزشی، فضای سبز و .. دارای کمبودهای چشمگیری می باشند (جدول ۷).

جدول (۷): وضعیت توزیع خدمات در سطح محلات شهر میبد بر اساس مدل تاکسنومی

ردیف	محلات شهر میبد	سرمشق توسعه	درجه توسعه	رتبه محلات	وضعیت توزیع خدمات
۱	۲-۱-۱	۵/۱۶	۰/۴۵۲۰	۱	پایدار
۲	۲-۲-۱	۵/۹۲	۰/۵۱۸۸	۲	
۳	محله ۲ منفصل	۷/۱۵	۰/۶۲۶۰	۳	
۴	۱-۲-۲	۸/۱۸۵	۰/۷۱۶۵	۴	نیمه پایدار
۵	۲-۱-۲	۸/۱۸۷	۰/۷۱۶۶	۵	
۶	محله ۱ منفصل	۸/۲۱۱	۰/۷۱۸۸	۶	
۷	۲-۲-۲	۸/۲۱۸	۰/۷۱۹۴	۷	

	۸	۰/۷۲۸۵	۸/۳۲	۱-۱-۳	۸
ناپایدار	۹	۰/۹۸۶۴	۱۱/۲۶	۱-۱-۱	۹
	۱۰	۰/۸۸۳۱	۱۰/۰۸	۱-۲-۱	۱۰
	۱۱	۰/۷۹۴۱	۹/۰۷	۱-۱-۲	۱۱

منبع: نگارندگان.

۴-۲-۳- نتایج رتبه بندی محلات شهر میبد بر اساس تلفیق مدل ها

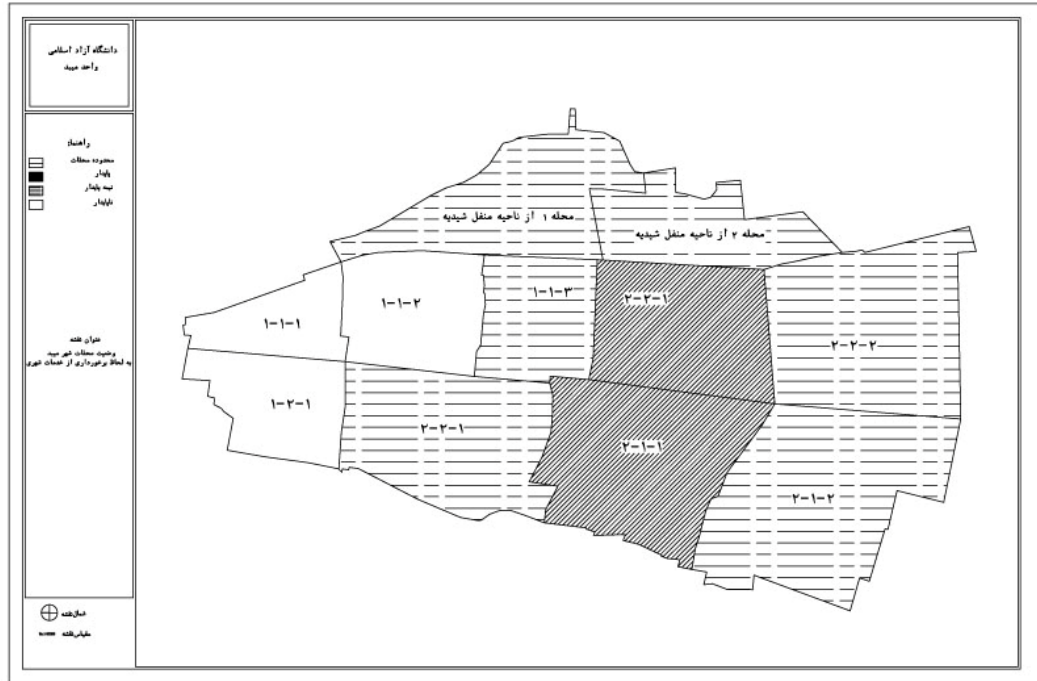
برای تلفیق نهایی نتایج حاصل از مطالعات مقادیر استاندارد (Z-Score)، توزیع تعداد واحدهای خدماتی و مدل تاکسونومی از میزان ارزش عددی هر یک از محلات استفاده شده است به گونه ای که محلاتی که دارای بیشترین تعداد واحدهای خدماتی بوده اند نمرات بالاتری را کسب نموده اند. نتایج حاصل از تلفیق سه مدل نشان می دهند محلات ۲-۱-۱ و ۲-۲-۱ از نظر توزیع خدمات وضعیت نسبتاً متعادل و محلات ۱-۱-۲ و ۱-۱-۱ و ۱-۲-۱ و ۱-۲-۱ وضعیت نامتعادلی دارند (جدول ۸). نقشه (۲) رتبه بندی محلات شهر میبد را به لحاظ توزیع خدمات با توجه به نتایج تلفیق مدل ها نشان می دهد.

جدول (۸): رتبه بندی محلات شهر میبد به لحاظ توزیع خدمات شهری با استفاده از تلفیق مدل ها.

ردیف	محلات شهر میبد	تعداد واحدهای خدماتی	مدل تاکسونومی	نمرات استاندارد (Z-Score)	جمع نمرات	رتبه محلات	وضعیت توزیع خدمات
۱	۲-۱-۱	۱۱	۱۱	۱۱	۳۳	۱	پایدار
۲	۲-۲-۱	۱۰	۱۰	۱۰	۳۰	۲	
۳	محله ۲ منفصل	۵	۹	۹	۲۳	۳	نیمه پایدار
۴	۱-۲-۲	۹	۶	۸	۲۳	۳	
۵	۲-۱-۲	۶	۷	۷	۲۰	۴	
۶	محله ۱ منفصل	۷	۶	۴	۱۷	۵	
۷	۱-۱-۳	۸	۵	۴	۱۷	۵	
۸	۲-۲-۲	۳	۵	۸	۱۶	۶	
۹	۱-۱-۲	۴	۱	۳	۸	۹	ناپایدار
۱۰	۱-۱-۱	۲	۱	۳	۶	۱۰	
۱۱	۱-۲-۱	۱	۲	۲	۵	۱۱	

منبع: نگارندگان.

نقشه (۲): رتبه بندی محلات شهر میبد به لحاظ توزیع خدمات شهری با استفاده از تلفیق مدل



۳-۱-۳. رتبه بندی محلات شهر میبد

از آنجایی که توزیع خدمات در محلات شهری به منظور تسهیل امر خدمات‌رسانی و دسترسی مناسب و بهینه شهروندان به آن صورت می‌گیرد، لذا چنانچه که توزیع خدمات و امکانات شهری بر اساس معیارها صحیح و اصولی نباشد، خدمات‌رسانی به راحتی انجام نگرفته و خدمات مورد نیاز شهروندان به صورت متعادل در سطح شهر توزیع نمی‌گردد. در این حالت ممکن است عدم تعادل‌هایی بین پراکنش جمعیت و فضاهای خدماتی مورد نیاز مشاهده گردد (هادی‌پور و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۰۱). در این پژوهش، با استفاده از ضریب اسپیرمن ارتباط بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات مورد بررسی شده است. نتایج بدست آمده گویای این واقعیت است که ارتباط خیلی زیادی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات بین محلات یازده‌گانه شهر میبد وجود دارد. ضریب اسپیرمن بدست آمده ۰/۵۸۲ بوده که این مقدار نشان دهنده ارتباط مستقیم قوی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در سطح محلات شهر میبد است. با ملاحظه جدول (۹) و ستون d2 مشخص می‌شود بین توزیع خدمات و پراکنش جمعیت تفاوت‌هایی وجود دارد به گونه‌ای که رتبه جمعیت در محله ۲-۲-۲ و محله ۲ ناحیه منفصل به ترتیب ۹ و ۶ می‌باشد در حالی که رتبه شاخص خدماتی ۴ و ۳ می‌باشد. همچنین محله ۱ ناحیه منفصل شهیدیه از نظر رتبه جمعیتی در مکان ۴ قرار دارد ولی از نظر رتبه شاخص‌های خدماتی (نمرات استاندارد) در رتبه ۸ جای دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هر چند محلات ۲-۲-۱ و ۲-۱-۱

از نظر رتبه جمعیتی در مکان های اول و سوم قرار دارند و به همان نسبت از نظر رتبه شاخص های خدماتی (نمرات استاندارد) در جایگاههای دوم و اول قرار دارند اما از بین محلات یازده گانه شهر میبد، به دلیل اینکه این محلات هسته اولیه شهر میبد را تشکیل داده اند به طور مسلم دارای خدماتی به نسبت زیادتر نسبت به سایر محلات شهری می باشند. در نتیجه با توجه به وضعیت سایر محلات شهری می توان گفت تمامی محلات شهر به نسبت یکسان و متعادل از امکانات و خدمات شهری برخوردار نگردیده اند و توزیع خدمات بر اساس پراکنش جمعیت نبوده است.

جدول (۹): محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن بین رتبه جمعیت و رتبه خدمات در محلات شهری میبد

محللات شهری	رتبه جمعیت	رتبه(شاخص های خدماتی) Z	d	d ²
۱-۱-۱	۱۱	۱۱	۰	۰
۱-۱-۲	۵	۹	-۴	۱۶
۱-۱-۳	۸	۷	۱	۱
۱-۲-۱	۱۰	۱۰	۰	۰
۱-۲-۲	۲	۶	-۴	۱۶
۲-۱-۱	۳	۱	۲	۴
۲-۱-۲	۷	۵	۲	۴
۲-۲-۱	۱	۲	-۱	۱
۲-۲-۲	۹	۴	۵	۲۵
محله ۱ ناحیه منفصل شهیدیه	۴	۸	-۴	۱۶
محله ۲ ناحیه منفصل شهیدیه	۶	۳	۳	۹

منبع: نگارندگان

$$\sum d^2 = 92$$

$$r = 1 - \frac{6 \sum d^2}{N^3 - N} \Rightarrow r = 1 - \frac{6 \times 92}{1331 - 11} = 0.582$$

لذا برقراری ارتباط صحیح و منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در داخل محلات شهر میباید امری ضروری است. زیرا که تعادل و ارتباط منطقی و مستقیم بین جمعیت و خدمات تا حدود زیادی خدمات رسانی را تسهیل و در رفع عدم تعادل موجود کمک شایانی خواهد کرد. ذکر این نکته ضروری است که برای این امر برنامه ریزی محلات براساس اولویت نیازمند است. بدین صورت که در محلات ۱-۱-۲ و ۲-۲-۱ توزیع خدمات در سطح بالایی بوده که افزایش تراکم جمعیت در این محلات جهت برقراری ارتباط منطقی احساس می شود. همچنین محلات ۱-۲-۱، ۱-۲-۲، ۲-۲-۲ و ۱-۱-۳ از نظر توزیع خدمات در سطح پایینی می باشد که ظرفیت افزایش جمعیت را دارند. به عبارت دیگر توزیع خدمات در این محلات متناسب با افزایش جمعیت و نیازها نبوده است. جدول (۱۰) اولویت برنامه ریزی محلات شهر میباید را نشان می دهد.

جدول (۱۰): پیش بینی اولویت برنامه ریزی خدمات شهری در محلات شهر میباید.

اولویت	نام محلات	ملاحظات
اول	۲-۱-۱ و ۲-۲-۱	افزایش تراکم جمعیت
دوم	۱-۲-۱، ۱-۲-۲، ۲-۲-۲ و ۱-۱-۳	افزایش شاخص های خدمات شهری
سوم	۱-۲-۱، ۱-۱-۲، ۱-۱-۱	افزایش تراکم جمعیت، افزایش شاخص های خدمات شهری

منبع: نگارندگان.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

توجه به جنبه های ساختار فضایی شهر از نظر شاخص های مختلف خدماتی و نحوه توزیع جمعیت امر ضروری به نظر می رسد. زیرا که ساختار فضایی شهر دارای سیستمی منسجمی هستند که از اجزاء و عناصر گوناگون تشکیل شده اند که ناپایداری هر کدام از این عناصر بر کل مجموعه و ساختار شهری تاثیرگذار است. در پژوهش حاضر که توزیع فضایی جمعیت و خدمات در محلات یازده گانه شهر میباید مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی ها نشان می دهد براساس تراکم جمعیتی، محلات ۱-۲-۱، ۱-۱-۱، ۲-۱-۲، ۲-۲-۲ در تراکم جمعیتی صفر تا ۱۰ نفر در هکتار قرار می گیرند، محله های ۱-۱-۲، ۱-۱-۱، ۲-۱-۱، محله ۱ منفصل شهیدیه دارای تراکمی بین ۱۰ تا ۲۰ نفر در هکتار، محله ۱-۱-۳ دارای تراکمی بین ۲۰ تا ۳۰ نفر در هکتار و محله های شهری ۱-۲-۱، محله دو منفصل شهیدیه در طبقه ۳۰ تا ۴۰ در هکتار جای می گیرند. در محله شهری ۱-۱ به دلیل تراکم پایین جمعیت (حدود ۰/۳۷ نفر در هکتار)، بررسی سرانه کاربریها معنادار نبوده و در بخش

توزیع خدمات محله‌ای مورد مطالعه قرار نگرفته است. بیشترین تراکم جمعیت در بین محلات شهر میبد متعلق به محله ۱-۲-۱ و کمترین تراکم مربوط به محله ۱-۱-۱ می‌باشد. به منظور تحلیل ویژگی‌های توزیع فضایی جمعیت در محلات یازده‌گانه شهری میبد از ضریب آنتروپی نسبی استفاده شده است. در واقع این مدل بیانگر، تاثیر وجودی شاخص جمعیت در تحقق هر یک از اشکال تعادل یا تمرکز مورد مطالعه است. ضریب آنتروپی به دست آمده در سال ۱۳۷۵ برابر با ۰/۸۹۲ بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۰/۸۹۱ کاهش نه چندان چشمگیری یافته است. این روند بیانگر عدم برابری و تعادل در توزیع جمعیت محلات شهر میبد طی دروه مورد بررسی است. هر چه این میزان به عدد یک نزدیکتر باشد تعادل در توزیع فضایی جمعیت وجود دارد. یکی دیگر از عوامل پراکندگی و پراکنش جمعیت، میزان تراکم جمعیت است. براساس بررسی‌های صورت گرفته، میزان تراکم در سطح شهر میبد در سال ۱۳۸۵، ۲۴/۶ نفر در هکتار است. در حالی که تراکم پیشنهادی طرح جامع شهر میبد ۲۲ نفر در هکتار می‌باشد. بالاترین میزان تراکم در میان محلات شهری، به محلات ۱-۲-۱ و ۱-۱-۱ و محله یک از ناحیه منفصل شهیدیه به ترتیب ۳۸/۵، ۳۳ و ۲۲ نفر در هکتار، و پایین‌ترین آنها به محلات ۱-۱-۱ و ۱-۲-۱ به ترتیب با ۰/۲۸ و ۳/۳ نفر در هکتار اختصاص دارد، که نشان دهنده تمرکز تقریباً نسبی جمعیت در مرکز شهر و محلات مجاور آن است. بررسی میزان ضریب همبستگی پیرسون بین جمعیت و مساحت محلات شهر بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌داری بین دو متغیر است. در حقیقت جمعیت‌پذیری محلات شهری مطابق با مساحت موجود محلات نبوده است بلکه عوامل دیگری همچون قیمت زمین و مسکن، وجود یا فقدان ساز و کارهای مشخص نظارتی و مدیریتی، میزان دسترسی به امکانات و خدمات و همچنین درآمد افراد دخالت داشته است. بررسی و شناخت وضعیت محلات شهری به لحاظ چگونگی توزیع خدمات در سطح شهر با استفاده از سه مدل نمرات استاندارد (Z-Score)، تعداد واحدهای خدماتی، مدل تاکسونومی مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر همین مبنا و اساس نمرات استاندارد شده به سه سطح، پایدار، نیمه پایدار و ناپایدار تقسیم شده است. برابر بررسی‌های صورت گرفته محله ۱-۲-۱ به عنوان پایدارترین محله و محله ۱-۱-۱ به عنوان ناپایدارترین محله شهری در توزیع بهینه خدمات ونحوه دسترسی شهروندان به خدمات شهری شناخته شده‌اند. در مدل تعداد واحدهای خدماتی نیز ۳۸/۷ درصد از واحدهای خدماتی تنها در ۲ محله ۱-۱-۱ و ۲-۲-۱ توزیع شده اند که به ترتیب رتبه های ۱ و ۲ را در بین محلات شهری به لحاظ تعداد واحدهای خدماتی به خود اختصاص داده اند و محله ۱-۲-۲ با ۲۶ واحد خدماتی معادل ۱/۵ درصد از کل واحدهای خدماتی، کمترین تعداد واحدهای خدماتی را دارا می باشد. نتایج مدل تاکسونومی نشان می دهند از بین محلات یازده‌گانه شهر میبد دو محله ۱-۱-۱ و ۲-۲-۱ به ترتیب از نظر دارا بودن خدمات شهری نسبتاً مناسب در رتبه های اول و دوم قرار دارند. همچنین محلات ۱-۱-۱ و ۱-۲-۱ و ۱-۱-۲ دارای کمترین میزان واحدهای خدماتی می باشند به گونه ای که در محله ۱-۱-۱ تنها یک مرکز درمانی وجود دارد. نتایج حاصل از تلفیق سه مدل نشان می دهند محلات ۱-۱-۱ و ۲-۲-۱ از نظر توزیع خدمات وضعیت نسبتاً متعادل و محلات ۱-۱-۲ و ۱-۱-۱ و

۱-۲-۱ وضعیت نامتعادلی دارند. همچنین برای برقراری ارتباط بین دو مولفه جمعیت و خدمات و رسیدن به الگوی برنامه‌ریزی در این زمینه از مدل اسپیرمن استفاده شده است. از آنجایی که توزیع خدمات در محلات شهری به منظور تسهیل امر خدمات‌رسانی و دسترسی مناسب و بهینه شهروندان به آن صورت می‌گیرد، لذا چنانچه که توزیع خدمات و امکانات شهری بر اساس معیارها صحیح و اصولی نباشد، خدمات‌رسانی به راحتی انجام نگرفته و خدمات مورد نیاز شهروندان به صورت متعادل در سطح شهر توزیع نمی‌گردد. در این حالت ممکن است عدم تعادل‌هایی بین پراکنش جمعیت و فضاهای خدماتی مورد نیاز مشاهده گردد. لذا نتایج استفاده از ضریب اسپیرمن بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات گویای این واقعیت است که ارتباط خیلی زیادی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات بین محلات یازده‌گانه شهر میبند وجود دارد. ضریب اسپیرمن بدست آمده ۰/۵۸۲ بوده که این مقدار نشان دهنده ارتباط مستقیم قوی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در سطح محلات شهر میبند است. بنابراین اولویت برنامه‌ریزی خدمات شهری در محلات شهر براساس داده‌های آماری بدین صورت است که در محلات ۱-۱-۲ و ۱-۲-۲ افزایش جمعیت و در محلات ۱-۲-۱، ۱-۲-۲، ۱-۲-۲ و ۱-۱-۳ افزایش سطح خدمات شهری جهت هماهنگی بین نیازهای جمعیتی و خدماتی ضروری به نظر می‌رسد.

۵- ارائه راهکارهای نیل به پایداری در سطح محلات

جهت دستیابی به توسعه پایدار و توزیع عادلانه خدمات شهری و تحقق عدالت اجتماعی در محلات شهر میبند راه کارهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- برای تحقق عدالت اجتماعی در مقیاس کلان قضیه دست یابی به عدالت یا توسعه متوازن در سطح ملی از طریق آمایش سرزمین می‌باشد. چرا که تا زمانیکه مناطق مختلف کشور به توسعه نسبتاً متوازن دست نیابد نه تنها در بین شهرهای مختلف مناطق بلکه در داخل یک شهر شکافهای عمیقی که منجر به نابرابری و بی عدالتی اجتماعی می‌گردد پدیدار خواهد گردید.

۲- بی عدالتی اجتماعی موجود در شهر را نمی‌توان به صورتی مجرد و جدا از منطقه ای که شهر در آن استقرار یافته است بررسی نمود. وجود فقرا در شهر که به صورتی بنا به فقر اقتصادی و فرهنگی فرصتهای موجود را نیز از دست می‌دهند، قابل حل نیست. از این رو لازم است از طریق سیاست های بازتوزیع ثروت در جامعه به کاهش طبقات تهیدست و انتقال آنان به طبقات متوسط همت گماشت.

۳- استفاده از زمینهای بایر موجود در تمام محله ها برای رفع کمبودهای طرح فوق و یا تخصیص زمین به جمعیت اضافه شده در آینده اراضی بایر به اندازه کافی موجود است. بدیهی است استقرار خدمات و خدمات رسانی زمانی تامین کننده نیازهای جمعیت شهر است که خدمات آموزشی، دانشگاه، هنرستان و در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی، بیمارستان، رادیولوژی، داروخانه و درمانگاه ایجاد شده و فعالیت کنند.

۴- توزیع متعادل و به یک نسبت خدمات در بین محلات شهر میبند.

۵- محلات ۱-۱-۱، ۱-۱-۲ و ۱-۱-۳ به نسبت توسعه اندک، پایین بودن میزان امکانات نیازمند توجه ویژه می باشد.

۶- در سرویس های سالن ورزشی، پارک و فضای سبز و مراکز فرهنگی تمامی ۱۱ محله شهر دارای مشکل بوده و باید نسبت به توسعه کاربری های فوق اقدام نمود. ضمن اینکه میزان دسترسی به پارک در کل شهر برای تعداد زیادی از شهروندان با مشکل مواجه است و در این ارتباط لازم است که پارکهای محله ای گسترش داده شود.

۷- بالاترین میزان مشکل در دسترسی به پارک و فضای سبز مربوط به محلات ۱-۱-۱ می باشد چرا که در کل این محله هیچ پارکی موجود نمی باشد. لذا پیشنهاد می شود که این محله در ایجاد پارکهای محله ای در اولویت قرار گیرد. در محلات ۱-۱-۱ دسترسی به مراکز آموزشی، محله ۱-۲-۲ با توجه به جمعیت نسبتاً زیاد دسترسی به مراکز مهد کودک دارای مشکل اند بنابراین باید در اولویت قرار گیرند. در بخش های وسیعی از محلات ۱-۱-۱ و ۲-۱-۱ که افزایش قیمت زمین در آن زیاد است، احتکار زمین باعث بایر ماندن بخش وسیعی از اراضی شهری گردیده است. با توجه به نیاز کاربری های عمومی به فضای بزرگ زمین و همچنین جهت جلوگیری از احتکار زمین پیشنهاد می گردد که این اراضی به کاربری های عمده اختصاص یابد.

منابع و مأخذ

- ۱) اطهاری، کمال (۱۳۸۱)، عدالت در فضا، مجله هفت شهر، سال سوم شماره نهم و دهم، سازمان عمران و بهسازی شهری، تهران.
- ۲) بوچانی، محمد حسین (۱۳۸۵)، بررسی عدم تعادل های فضایی - اجتماعی شهر ایلام از دیدگاه توسعه پایدار، مجله شهرداری ها، سال ششم، شماره ۷۳، تهران.
- ۳) حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۲)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴) حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵)، ارزیابی شاخص های پایداری در نواحی شهر یزد، مجموعه مقالات همایش جغرافیا و قرن ۲۱، دانشگاه آزاد نجف آباد.
- ۵) حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، یزد.
- ۶) ساوج، مایک و آلن وارد (۱۳۸۰)، جامعه شناسی شهری، ترجمه: ابوالقاسیم پوررضا، انتشارات سمت، تهران.
- ۷) شیخی، محمد تقی (۱۳۷۸)، جامعه شناسی شهری، انتشارات نورگیتی.
- ۸) عبدی دانشپور، زهره (۱۳۷۸)، تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران، مجله صفا، سال نهم، شماره بیست و نهم، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- ۹) فیض پور، محمدعلی و مهینی زاده، منصور، (۱۳۷۷)، سنجش درجه توسعه صنعتی مناطق استان یزد، فصلنامه دانشور، دانشگاه شاهد.
- ۱۰) قره نژاد، حسن، (۱۳۷۶)، بررسی توزیع جغرافیایی مراکز بهداشتی- درمانی در شهر اصفهان، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴.
- ۱۱) کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه ریزی و توسعه منطقه ای (تئوریا و تکنیک ها) ، انتشارات خوشبین، تهران.
- ۱۲) ماسگریو ریچارد (۱۳۷۲)؛ مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یداله ابراهیمی فر، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۱۳) مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳)؛ تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها، شماره ۶۵، انتشارات سازمان شهرداری ها.
- ۱۴) مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵-۱۳۵۵ .
- ۱۵) موسوی، میرنجف (۱۳۸۲)، سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه یزد، به راهنمایی کرامت الله زیاری.
- ۱۶) مهندسین مشاور عرصه، (۱۳۸۵)، طرح جامع شهر میبد، سازمان مسکن و شهرسازی استان یزد.
- ۱۷) میر نجف موسوی و علی باقری کشکولی (۱۳۸۷)، شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی در مورد شهر یزد، طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور استان یزد.
- ۱۸) نصر، حسن، (۱۳۷۷)، زمین شهری و ارزش افزوده ناشی از طرح های عمرانی، مجله آبادی، سال نهم، شماره ۳۳.
- ۱۹) وارثی، حمیدرضا و علی زنگی آبادی (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی مورد: زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه (www.sid.ir).
- ۲۰) هادی پور، حلیمه خاتون و دیگران (۱۳۸۵)، معیارهای موثر در مرزبندی نواحی مناطق شهری (مورد مطالعه: منطقه یک شهرداری تهران) ، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۷، تهران.
- ۲۱) هاروی، دیوید (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

18) Drakakis- Smith , David (2000), Third World Cities: Second Edition , Routledge, London.

19) Wheeler , James O, Muller , Peter O(1986), Economic Geography , John Wiley & Sons, Inc , Canada.

20) Marcotullio, Peter, J, (2001), Asian Urban Sustainability in the era of globalization, united Nation University, Institute of Advanced Studies, Tokyo, Japan.

21) Runciman, W, G, (1966), Relative Deprivation and Social justice, (London).

22) Bastanifar, iman, samet, majid, (2004), An inquiry of Green Tax effect on decreasing of air pollution of Isfahan province GIAN international symposium & workshop, Isfahan university.